

استقلال عراق و نقش مراجع تقلید تشیع ایرانی...

در این روزها، که موضوع شطالمرب (اروند رود) و اظهارات متبادله دولت جمهوری عراق و دولت شاهنشاهی ایران، متعاقب تهدید دولت عراق که با ایراد خطابه‌ای از جانب قائم مقام و معاون سیاسی وزیر امور خارجه ایران در مجلس سنا، در پاسخ پرسش آقای «محسن رئیس» سناتور کنونی و وزیر امور خارجه و سفیر کبیر پیشین دولت شاهنشاهی ایران در کشور عراق، و بالاخره احقاق حقوق مسلمه دولت ایران در مورد شطالمرب، دسرلوحه «مسائل سیاسی روزه» قرار گرفته، و هم زمان با نغمه ناموزون عراق، در گوشه و کنار مملکت جوش و خروشی حاکی از تأیید سیاست خارجی دولت، را بوجود آورده و یکبار دیگر اذهان همگانی و افکار عمومی مطوف و متوجه حقوق غیر قابل انکار سی و دو ساله لاوصول مانده، گردید... بموازات نشر اخبار این واقعه، پاره‌ای از ارباب پژوهش و تحقیق، توجه خود را معطوف به قضایای پنجاهساله احداث و ایجاد کشور نو بنیاد عراق، ساختند و موجباتی فراهم آمد، که ارباب تحقیق، سیر اجمالی تأسیس واحد جغرافیائی نوظهوری را که پس از اختتام جنگ جهانی اول (۱۹۱۴-۱۹۱۸-۱۳۳۲-۱۳۳۶ هـ) با اهتمام دولت بریتانیای کبیر در غرب مرزهای ایران، بنیاد گذاری شده است، مورد توجه قرار دهند و بالطبع قضایائی که در طول نیم قرن اخیر در شرق میانه، با احداث کشور جدید الولاده عراق، متوالیاری داده و اغلب موجب

کنونی، از کیفیت و حقیقت تشکیل این واحد جغرافیائی، که در طول مدت نیم قرن، مشحون و متمم و قایع و حوادث حساد میباشد، آگهی و وقوف کامل ندارند. و حسن اطلاع از حدود کودتاهای مکرر و پشت سر هم، و تشکیل و ظهور دولت‌های مستعجل، که از قضا خلاف گفته‌های شاعر ایرانی، درخشش خوش و شایسته‌ای هم نداشته و ندارد، لازم مینماید، که سیر اجمالی تکوین این دولت و کشور را بمنظور وقوف بیشتر نسل جوان، مورد بحث و مطالعه قرار دهیم؛ زیرا همان قسم که مادر کوی و کوچهای که در آن سکونت داریم، الزاماً میبایست همسایگان خویش را بشناسیم، با تکی همین اصل، همسایگان دیوار بدیوار کشور خویش را نیز بایست بشناسیم و از کم و کیف و تکوین ممالک همجوار استحضار حاصل نمائیم... النهایه در این جامجال این امر موکول بحصول فرصت مناسب‌تر میباشد و در تدوین این مقاله و یادداشت، درباره عوامل احداث این واحد جغرافیائی که در ظرف مدت کوتاه پنجاه ساله، دورانیهای تسلط و استعمار ترک عثمانی تسلط و استعمار دولت بریتانیای کبیر، دوران قیمومیت انگلستان، دوران سلطنت خاندان‌های شاهی حجازی، دوران جمهوریت... که هر دوره نیز، خود با دوازی کوتاه مدت منقسم شده است، و هر دوره منضم انقلابات و شورش‌هایی بود که همگی مبین عدم اصالت و احراز نمایندگی حکومت و وقت نسبت بمردم این اقلیم بوده است... و همین مسئله انگیزه و علة العلل طغیانها و غسیانها، از یک طرف و کشت و کشتارها و قتل‌عامهای بی‌رحمانه، از طرف دیگر بوده است، که هر یک از آن وقایع بنوبه خویش، شایان بررسی و استقصاء و تحقیق است و فعلاً بحث در اطراف آن قضایا وجهه اهتمام نگارنده نیست.

انگیزه نخستین و هدف اصلی از تسطیر این سطور، باز نمود تأثیر اهتمام و فعالیت عنصر ایرانی در تشکیل این مملکت نو بنیاد میباشد.

چنانکه ارباب بصیرت و اطلاع، وقوف دارند، پس از انقراض سلسله صفویه، مرکز حوزه مرجعیت عالم تشیع (که در عصر صفویه در اصفهان استقرار

- و مراجع تقلید عالم تشیع، که جملگی ایرانی بوده‌اند، حوزه‌های علمیه و مرجعیت را در بین‌النهرین استقرار بخشیده‌اند.
- اعاظم مراجع تقلید، که مرجعیت شیعه امامیه را در قرون اخیر به عهده داشته‌اند، همچون:
- علامه بحر العلوم (سید مهدی الطباطبائی بروجردی - متوفای ۱۲۱۲ ه. ق.)
- محقق ثالث (ملا محمد باقر بن محمد اکمل البهبهانی (۱۱۱۶-۱۲۰۵ ه. ق.)
- صاحب جواهر (شیخ محمد حسن اصفهانی - متوفای ۱۲۶۶ ه. ق.)
- صاحب الفصول (شیخ محمد حسین اصفهانی - متوفای ۱۲۶۱ ه. ق.)
- میرزای انصاری شیخ مرتضی بن محمد امین الانصاری شوشتری (۱۲۱۴-۱۲۸۱ ه. ق.)
- شریف العلماء مازندرانی (ملا محمد شریف آملی - متوفای ۱۲۴۵ ه. ق.)
- میرزای شیرازی بزرگ (میرزا محمد حسن الحسینی شیرازی - متوفای ۱۳۱۲ ه. ق.)
- میرزای رشتی (حاج میرزا حبیب‌الله رشتی - متوفای ۱۳۱۲ ه. ق.)
- آخوند مازندرانی (آخوند ملا عبدالله بن محمد نصیر - متوفای ۱۳۳۰ ه. ق.)
- شیخ العراقین مازندرانی (شیخ زین العابدین بن مسلم باقروشی - متوفای ۱۳۰۹ ه. ق.)
- علامه یزدی (حاج سید محمد کاظم الطباطبائی یزدی)
- نجل خلیل (حاج میرزا حسین بن حاج میرزا خلیل طهرانی - متوفای ۱۳۲۶ ه. ق.)
- آخوند خراسانی (آخوند ملا محمد کاظم خراسانی صاحب الکفایه - متوفای ۱۳۲۹ ه. ق.)
- شریعت اصفهانی (ملا فتح‌الله بن ملا محمد جواد - متوفای ۱۳۳۹ ه. ق.)

میرزای نائینی (حاج میرزا حسین غروی نائینی).

لازم بتوضیح است که در ذکر نام آیات عظام و حجج اسلام نام برده قصد استقصای تام نبوده و گرنه لازم میآمده است که از جمعی دیگر نیز اسم برده شود و حتی از جهت احتراز از اطاله کلام، از ذکر عناوین کامل حضرات معظم له، اسماک رفته است، و احیاناً اگر نامی از قلم افتاده است، اسقاط و فرو افتادگی نام بقیه مراجع، محمل بر حمل و غرضی نبوده است. مقصود تذکار نکته ایست در باز نمود مطلب مورد بحث؛ یعنی اقامت و استقرار مرجع عام تقلید شیعه امامیه در اعتبار مقدسه بین النهرین، در طول دوست و پنجاه سال اخیر و ثبات این معنی که همگی مراجع معظم له ایرانی بوده و وجود مقدسان برای سرزمین عراق منبع خیر و برکت، و سرآزیر شدن میلیونها لیره و دینار از اقصی نقاط جهان تشیع، بسوی بین النهرین؛ و کیست که بتواند منکر تأثیر عظیم اقتصادی و مالی این موضوع باشد؟!
التهایه این مطلب نیز، وجه نظر ما در تدوین این مقال نبوده است، و تفصیل مطلب مجال مناسب تر میخواید.

پس از خاتمه جنگ‌ها نگیر اول و پایان یافتن دوران استعمار و تسلط ترکان عثمانی بر سرزمین بین النهرین، که مقارن با آغاز تسلط و استعمار انگلستان در آن اقلیم میباشد، اهتمام و کوشش و تلاش مراجع تقلید وقت تشیع موجب تحصیل استقلال و موجودیت و ایجاد کشور نوظهور عراق گردیده است در سرلوحه شخصیت‌هایی که با صدور حکم جهاد، و اعلان لزوم مقاومت و مجاهدت عمومی، بین النهرین را از صورت يك دکلنی، و مستعمره خارج ساختند، اسم و عنوان دو مرجع بزرگ تقلید وقت یعنی: آیت‌الله میرزای شیرازی ثانی و آیت‌الله شیخ‌الشریعه اصفهانی (۱۲۶۶-۱۲۳۹ هـ) همواره در تاریخ حصول استقلال عراق بچشم میخورد.

پس از اختتام جنگ اول، انگلستان از بین النهرین بعنوان مستعمره‌ای زرخیز، استفاده کرده و حکمران کل عراق را شخصا نایب السلطنه هند تعیین

۱۳۴۷ شمسی (۱۹۶۸) بخشی از خاطرات و یادداشت های او زیر اسم «سفرنامه ویلسن» باهتمام دوست فاضل محقق «حسین سعادت نوری» بفارسی برگردانده شده و جزء انتشارات وحید نشر یافته است .

پس ازاعلان تسلط دولت بریتانیای کبیر ، که مواجه باانقلاب وطنیان و شورش عمومی . ناش ازصدرحکم جهادآیتین عظامین «میرزامحمدتقی شیرازی» و «شیخ الشریعه اصفهانی» رحمه الله علیه گردید و توسعه دامنه انقلاب تحت رهبری مراجع تقلید وقت و رؤسای حوزه های علمیه شیعه ، انگلستان دجبور بتجدید نظر و تعدیل نظریه خویش گردیده و سرانجام ، درچهارم ذی قعدة ۱۳۳۹ هـ . ق (۱۹۲۱/۴) سرزمین بین النهرین بهتحصیل استقلال نائل آمد .
زرکلی درمجموع خود «الاعلام» (۲۳۳/۰) ذیل زندگینامه مجمل ومختصر و شیخ الشریعه اصفهانی مینویسد :

«... نام وآوازه اش درانقلاب عراق ، درایام سلطه بریتانی ، بسالکه (۱۹۲۰م) بظهورپیوست ، ومردم آن سرزمین ضمن تذکار فتاوی واحکام جهاد ودفاع ازسرزمین خویش ، ازآن پیشوای مذهبی شیعه باسپاس وحرمت فراوان یاد میکردند .

درآغاز شیخ الشریعه دستیار ومعین آیت اله میرزای شیرازی (ثانی) بود وپس ازرحلت میرزای شیرازی بسال ۱۳۳۸ هـ . ق رهبری انقلاب وزعامت استقلال طلبان ، بدیشان منتقل ومركز قیادت ورهبری از «کربلا» به «نجف» انتقال یافت .

«نایب سرهنگ سرآرنولد ویلسن» حکمران کل دولت بریتانیا درعراق بیانیهای انتشار داد وضمن آن بیانیه آیت الله موصوف الذکر را بمنظور آغاز مذاکرات ومفوضات لازمی که بانگیزه پایان بخشی واختتام انقلاب عراق بود دعوت بمذاکره نمود مرحوم شریعت اصفهانی ، درپاسخ حکمران کل عراق نخستین شرط را «اعطای استقلال تام عراق» پیش ازشروع هر مذاکره ای اعلام

الکلیانی، (تقیه الاشراف بغداد) (۱۲۶۱-۱۳۴۵ ه.ق) بسال ۱۹۲۱ تشکیل یافت اما (۵۰) روز پس از تشکیل اولین دولت وطنی عراقی، شیخ الشریعہ اصفهانی، بدرود زندگی گفت .

(تاریخ رحلت شریعت اصفهانی را مؤلف ریحانة الادب (۲/۳۱۷) در شب یکشنبه ۸ یا ۲ ربیع الآخر ۱۳۳۰ ه.ق در (۷۳) سالگی ... ضبط نموده است .

شاید احتیاج به توضیح داشته باشد ، که این اهتمامات مراجع تقلید، مقدم بر تاریخ ورود «فیصل بن شریف حسین الهاشمی» (۱۳۰۰ - ۱۳۵۲ ه.ق) بعراق و تهیه «مقدمات سلطنت عراق پس از واقعه «میشاون» (۲۴ ژوئیه ۱۳۲۰ م) و اخراج «فیصل» از سوریه و دوران سلطنت فیصل در سوریه (از اوایل سال ۱۹۲۰ - ۱۳۳۸ ه.ق تا ۲۴ ژوئیه ۱۹۲۰) و پیش از احضار او به کنفرانس قاهره بسال ۱۹۲۱ ، به ریاست «وینستون چرچیل» وزیر مستعمرات وقت انگلیس و نامزدی او به سلطنت عراق است . زیرا سلطنت او در عراق مرتبط بسال ۱۳۳۹ ه.ق (۱۹۲۱ م) است که فعلاً بحث آن وجهه اهتمام نگارنده نیست .

بهر تأویل مسأله ای که از لحاظ تاریخ در زمره بدیهیات محسوب میشود نقش و تأثیر عنصر ایرانی، در شکل و تشکیل واحد جغرافیائی تازه ایست که در شرق میانه با سه مملکت عراق ، موسوم گردیده است .

این کشور جدید الولاده ، با مساحتی در حدود (۴۵۳ هزار کیلومتر مربع) سکنه اش عبارتند از:

«عرب ، ایرانیان و مخصوصاً کردان (در کوهستان های شمالی) و چادر نشینان ، که در دشت های وسیع غربی و جنوبی، ساکن هستند...»

زیستوران (جمعیت) عراق را منابع و مراجع مختلف (۱۰۲ تا ۶۵۵۸ تن) ذکر مینمایند) فرهنگ دکنتر مین: (۱۱۶۶۵) و در اعلام المنجد طبع ۱۹۵۶ زیستوران و سکن عراق را (۴۹۹۰۰۰۰) تن از عناصر مختلفه (عرب، ایرانی، اکراد و ترکان) مذکور میدارد . (ناتمام)